پیش گفتار

بین الملل سوم پس از لنین

شصت سال از پایه گذاری بین الملل سوم (کمینترن) می گذرد. در ماه مارس ۱۹۱۹ نمایندگان ۳۵ حزب و سازمان انقلابی به فراخوان لنین و تروتسکی در مسکو گرد هم آمدند و نخستین کنگره ی بین الملل کمونیست را تشکیل دادند. این کنگره در شرایطی برگزار شد که انقلاب سوسیالیستی روسیه به رهبری حزب بلشویک پیروز شده بود و تمامی قدرت ها در دست شوراهای کارگران و سربازان دهقانان قرار گرفته بود. انقلاب جهانی در حال پیشروی بود و به خصوص پرولتاریای آلمان علیه سرمایه داری امپریالیستی به پا خاسته‌بود. در آلمان و مجارستان دولت های شورائی به روی کار آمده بودند و علی رغم حیات کوتاه خود فعلیت انقلاب پرولتری را در دوران امپریالیزم ثابت کرده بودند. مبارزه ی کارگران اروپا از پیدایش شوراهای کارگری در هلند تا اعتصاب عمومی کارگران ایتالیا در تابستان ۱۹۲۰ اثبات تداوم و فعلیت انقلاب جهانی پرولتاریا که از جانب پایه گذاران بین الملل کمونیست عنوان شده بود، می باشد مشخصه ی دیگر این دوران مبارزه جنبش های آزادی بخش ملی در جهت رهایی از یوغ استعمار و استثمار امپریالیستی در کشورهای واپس مانده بود. از این رو بین الملل کمونیست از همان آغاز پیدایش خود توجه بسیار به مسائل کشورهای واپس مانده داشت و بخش های فعالی در این کشورها ایجاد کرده بود که به صورت گروه های

www.hks-iran.com

انقلابی و احزاب کمونیست فعالیت می کردند. کمونیست های ایران نیز تحت رهنمودهای بین الملل کمونیست فعالیت می کردند. و عاقبت از تاریخ ۲۲ تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۲۰ در شهر انزلی نخستین کنگره ی حزب کمونیست ایران را به رهبری سلطان زاده برقرار نمودند.

ایده ی تشکیل حزب جهانی کارگری موردی تازه و نوین در جنبش بین المللی پرولتاریا محسوب نمی شود. سرمایه داری از بدو پیدایش خود محدوده ی مرزهای ملی را درهم شکسته بود و تعمیم وجه تولید کالائی جز از طریق این درهم شکنی ممکن نبود. انقلاب کارگران اروپا در سال ۱۸۴۸ خود نمایشگر این واقعیت است که مبارزه ی پرولتاریا نیز محدوده ی مرزهای ملی نمی شناسد و در گستره ای وسیع تر عمل می کند. کارل مارکس و فریدریش انگلس نویسندگان جوان *بیانیه ی کمونیست* که این اثر خود را چند پیش از شعله کشیدن انقلاب زحمت کشان اروپا در اواخر ۱۸۴۷ منتشر کرده بودند، بیانیه را با این شعار دوران ساز به پایان رسانده بودند: *کارگران همه ی کشورها متحد شوید*. بر پایه ی همین شناخت صحیح از واقعیت رُویه بین المللی پیکار انقلابی کارگران است که این دو در بنیان گذاری نخستین بین الملل کارگری در سال ۱۸٦٤ سهم ارزنده ای ایفا نمودند و در فاصله ی کوتاه سال های فعالیت این بین الملل با تمام قوا در راه پیشبرد اهداف حزب جهانی انقلاب کارگران کوشیدند.

با شکست کمون پاریس و تسلط وحشیانه ی ارتجاع سرمایه داری بر اروپا، بین الملل اول تضعیف شد، ابتداء مرکز آن به ایالات متحده منتقل گردید و عاقبت در دهه ی ۱۸۷۰ منحل شد. اما با اعتلای مجدد جنبش انقلابی کارگران و خاص با رشد سریع سوسیال- دموکراسی آلمان، بین الملل دوم در سال

www.hks-iran.com

۱۸۸۹ تشکیل گردید. انگلس در تشکیل این بین الملل سهم فراوانی داشت. بیست سال نخست حیات این بین الملل دوران رشد جنبش کارگران است، هم پای این رشد درون حزب بین المللی آنان مبارزه با اشکال گوناگون انحراف ها ضرورت یافت. مبارزه ای که علیه تجدیدنظرطلبی ادوارد برنشتین و هواداران وی درون بین الملل دوم صورت گرفت از مهم ترین جدال های درونی جنبش کارگری است که به انکشاف مبارزه ی عملی و غنای نظری جنبش انجامید. آثاری که کارل کائوتسکی و روزا لوکزامبورگ در مبارزه با این گرایش تجدیدنظرطلب نوشتند از مهم ترین دست آوردهای نظری جنبش انقلابی ما محسوب می شوند. سوسیال- دموکراسی روس نیز در پیشبرد این مبارزات سهم عظیمی داشت و خاصه جدال دو جناح عمده ی آن با یکدیگر یعنی پیکار جناح بلشویک ها تحت رهبری لنین علیه منشویک ها به روشن ساختن بسیاری از جنبه های اصلی نظریه و عمل مارکسیستی یاری رساند.

اما رهبری بین الملل دوم از سال های۱۱-۱۹۱۰ با اتخاذ استراتژی فرسایش کائوتسکی که چنان آراء اصلاح طلبانه برنشتین با ایمان به تکامل گرائی مبتذل و عامیانه و تأکید بر مبارزات پارلمانی منکر نقش انقلابی کارگران گشته بود، به تدریج به ورطه دفاع از بورژوازی کشیده شد. در ماه اوت ۱۹۱٤ با رأی‌سوسیال- دموکراسی آلمان به بودجه ی جنگی و تأکید رهبری بین الملل دوم از این عمل خائنانه عملاً حیات فعال بین الملل در دفاع از آرمان های طبقه ی کارگر پایان گرفت. سوسیال- دموکراسی با تأیید مستقیم جنگ امپریالیستی که سرمایه داران توسعه طلب به راه انداخته بودند و نتیجه ای جز کشتار عام کارگران نداشت، بنا به قول مشهور روزا لوکزامبورگ دیگر چیزی بیش از یک لاشه متعفن محسوب نمی شد.

www.hks-iran.com

جدال روزا لوکزامبوک (که از سال ۱۹۱۱ علیه استراتژی فرسایش کائوتسکی مبارزه کرده بود) و اقلیت ضدجنگ سوسیال- دموکراسی آلمان به هم راه پیکار قاطع بلشویک ها و بخشی دیگر از رهبران سوسیال- دموکراسی روسیه منجمله تروتسکی با جنگ امپریالیستی، منجر به تشکیل دو کنفرانس سوسیالیست های ضد جنگ در زیمروالد (۱۹۱۵) و کینتال (۱۹۱٦) گردید. در این کنفرانس ها شعار انقلابیون چنین بود: بین الملل دوم مرده است. زنده باد بین الملل سوم. سال بعد پیروزی انقلاب اکتبر تحت رهبری لنین و تروتسکی، انجام وظیفه تاریخی بنیان گذاری بین الملل سوم را بر انقلابیون جهان تسهیل کرد.

بدین سان بین الملل سوم توسط احزاب و گروه های انقلابی پایه گذاری شد و در دوره ی اعتلای مبارزه پرولتاریای جهانی به کارکرد انقلابی خویش پرداخت. در طول نخستین پنج سال حیاتش، بین الملل انقلابی هم به گسترش انقلاب جهانی یاری داد و هم جمع بندی مبارزه ی پرولتاریای جهان را در رهنمودها، قطع نامه ها و اسناد با ارزشی جهت نسل های آینده حفظ کرد. این اسناد بهترین پادزهر علیه تحریفات اصلاح گرایانه و تجدیدنظرطلبانه رهبران خائن بین الملل دوم و استالنیست ها محسوب می شوند. از همان نخستین روزهای پیدایش دولت شوراها در روسیه و پایه گذاری بین الملل کمونیست بر رهبران انقلابی آشکار بود که تداوم و حیات انقلاب روسیه به گسترش انقلاب جهانی مربوط می شود و از این رو سیاست خارجی روسیه شوروی نمی تواند چیزی جز یاری رساندن به انقلابیون و زحمت کشان سراسر جهان باشد. آنان به روشنی یادآور شدند که در صورت انزوای انقلاب نه تنها امکان ساختن سوسیالیزم در یک کشور وجود ندارد، بلکه انقلاب نیز به عقب باز خواهد

www.hks-iran.com

گشت. در واقع تأکید لنین و تروتسکی بر این بود که سرنوشت جامعه ی انتقالی روسیه شوراها به توازن قوا میان کار و سرمایه در گستره ی جهانی مربوط می شود و با آغاز از این فرض صحیح بود که مثلاً لنین می نوشت: "زمانی که سه سال قبل ما مسأله ی اهداف و شرایط پیروزی انقلاب پرولتری را در روسیه عنوان کردیم، دائماً به این نکته تأکید داشتیم که این پیروزی نمی تواند مداوم و مطمئن باشد مگر این که به وسیله ی انقلاب پرولتری در غرب دنبال گردد. نتیجه گیری صحیح از انقلاب ما صرفاً در گستره یک دید بین المللی ممکن است. جهت تضمین دست آوردهای پیروزی، ما باید پیروزی انقلاب پرولتری را در کلیه یا دست کم در تعدادی از کشورهای اصلی سرمایه داری به دست آوریم. پس از سه سال مبارزه ی بی امان، امروز می توانیم ملاحظه کنیم که آیا این فرایض جنبه ی واقعی به خود گرفته اند یا نه" (لنین: *مجموعه آثار*، ترجمه ی انگلیسی، جلد ۳۱، ص ٤١١-٤١٠ مقاله درباره ی مواضع داخلی و خارجی حزب، ۲۱ نوامبر ۱۹۲۰).

چهار کنگره ی نخست بین الملل کمونیست یک سره وقف جمع بندی و راهنمائی جهت پیش رفت انقلاب جهانی گردید. نتایج بسیاری از مبارزات کمونیست ها و انقلابیون جهان در قطع نامه ها و اسناد این چهار کنگره متبلور شده اند. اسنادی که در حوزه وسیعی از مباحث سیاسی و بنیادی انقلاب را طرح کرده اند. مسائلی چون: هدف احزاب کمونیست از شرکت در پارلمان های بورژوائی، جبهه ی واحد پرولتری، فعالیت در سازمان های توده ای طبقه ی کارگر و اتحادیه ها، مسائل مربوط به جنبش های آزادی بخش ملی، مسأله ی ارضی، دموکراسی بورژوائی و دموکراسی کارگری از

www.hks-iran.com

مهم ترین دست آوردهای جنبش انقلابی طبقه ی کارگر جهانی محسوب می شوند.

کمینترن در طول این سال ها یک هدف اصلی را دنبال می کرد: پیروزی انقلاب جهانی پرولتاریا. اما در همین ایام شرایط عینی و موازنه قوا در سطح جهانی به زیان کارگران و به سود سرمایه داران تغییر یافت. انقلاب آلمان که بلشویک ها به پیروزی آن امید فراوان بسته بودند، شکست خورد. ضدانقلاب سیاسی از طریق سوسیال- دموکراسی جنبش انقلابی کارگران را عقب راند و پیروزی ارتجاع با شکست مجدد کارگران آلمان در سال ۱۹۲۳ تثبیت گردید. هم پای این واقعیت، انقلاب پرولتری در سراسر قاره ی اروپا شکست خورد و پیکار انقلابی کارگران عمدتاً به دلیل ضعف رهبری و فقدان حزب توده ای انقلابی به تسخیر قدرت سیاسی توسط آن ها منتهی نگردید. مسئولیت اصلی این شکست تاریخی به دوش سوسیال- دموکراسی است که دیگر به صورت عامل سرمایه داری در داخل جنبش کارگری فعالیت می کرد. بدین سان انقلاب روسیه منزوی ماند. در داخل روسیه شوروی نیز در طول سه سال جنگ داخلی بهترین عناصر کارگری و پیشروترین مبارزین زحمت کش از میان رفتند. شوراهای کارگری عملاً از عنصر اصلی وجودی خود خالی شدند. سطح نازل رشد نیروهای تولیدی، پایه ضعیف تکنولوژیک، اقتصادی و نیز فرهنگی روسیه، قحطی ناشی از سال ها تداوم جنگ امپریالیستی و نیز جنگ داخلی از مهم ترین دلائل فروکش شرکت مستقیم توده ها در تعیین سرنوشت خودشان و درگیری آن ها در زندگی سیاسی بودند.

هم راستا با عقب کشیدن امواج انقلاب جهانی و کاهش قدرت کارگری، بوروکراسی در بدنه ی دولت کارگری چنان انگلی شروع به رشد نمود. رخوت

www.hks-iran.com

سیاسی توده ها به این رشد بوروکراسی یاری می داد و به تدریج هم قدرت دولتی و هم دستگاه کمینترن تحت نظارت بوروکرات ها درآمد. قشر ضدانقلابی بوروکرات که استالین به عنوان بهترین نماینده ی آن قدرت می گرفت موجد انحطاط نهادهای دولتی طبقه ی کارگر و نیز حزب جهانی پرولتاریا گردید. احزاب و انقلابیون پرولتری سراسر جهان که در نخستین سال های حیات کمینترن به راستی قدرت دولت شوراها را در روسیه گامی قاطع جهت رسیدن خودشان به قدرت می دیدند، اینک دیگر درگیر مسأله ی دگرگونی اتحاد شوروی شده بودند. هم پای رشد بوروکراسی و ارائه ی نظریات انحرافی که بوروکرات ها جهت توجیه قدرت خود اعلام کرده بودند، بحث در میان احزاب کمونیست جهانی در گرفت. مهم ترین دگم استالینیستی که به عنوان حلقه ی اصلی نظریات بوروکراسی توسط ژوزف استالین و نیگلای بوخارین تنظیم و پرورانده شده بود "نظریه"ی ساختن سوسیالیزم در یک کشور بود.

این نظریه ضدانقلابی یک سره با آموزش مارکس و لنین بیگانه است. پایه ی این دگم بر عدم اطمینان به پیروزی انقلاب جهانی نهاده شده است. براساس این "نظریه" در صورت عدم مداخله نظامی بورژوازی امپریالیستی در امور روسیه کارگران این کشور قادرند که ساختن جامعه ی سوسیالیستی (به معنی جامعه ی کمونیستی) را در اتحاد شوروی پیش ببرند. حتی پایه گذاران این "نظریه" خود در آغاز سال ۱۹۲٤ به عدم امکان ساختن سوسیالیزم در یک کشور اذعان داشتند. استالین در قطعه ای از کتاب *مسائل لنینیزم* بدین واقعیت اشاره کرده و تأکید نموده که ساختن سوسیالیزم در یک کشور غیرممکن است. این قطعه از چاپ های بعدی کتاب حذف شده گردید. صرفاً در مبارزه علیه سنن بلشویزم و نظریه ی انقلاب مداوم تروتسکی

www.hks-iran.com

بوروکرات ها به نتیجه شگفت انگیز ساختن سوسیالیزم در روسیه عقب مانده ایمان آوردند. بوخارین اعلام می کرد که در صورت تداوم نظم موجودیعنی عدم دخالت نظامی امپریالیست ها در روسیه می توان سوسیالیزم را در یک کشور حتی "با سرعت لاک پشت" ساخت. او ادامه می داد که اگر این فرض و احتمال صحت داشته باشد، پس وظیفه ی انقلابیون سراسر جهان یاری رساندن به ساختن سوسیالیزم در روسیه خواهد بود و در این حالت نقش احزاب کمونیست پیش از هر چیز فشار گذاشتن به بورژوازی کشورهای گوناگون است که از حمله‌ی نظامی به روسیه خودداری کنند تا برمبنای اصل "همزیستی مسالمت آمیز" ممکن شود که "عاقبت روسیه سوسیالیزم را بسازد."

یکی از اهداف تروتسکی در نگارش کتاب حاضر نقد شدید "نظریه"ی سوسیالیزم در یک کشور است. او نشان می دهد که انقلاب سوسیالیستی می تواند در کشوری واپس مانده پیروز گردد (و در واقع نظریه ی انقلاب مداوم او عالی ترین بیان این توانائی است) اما تأکید می کند که انکشاف راستین جامعه ای سوسیالیستی در یک کشور ممکن نیست. سوسیالیزم از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در وجوه عالی تری نسبت به سرمایه داری قرار دارد. از این رو در همان نخستین وهله اجرای آن به جدیدترین فنون و تکنولوژی و به اشتراک مساعی چندین کشور نیاز است. مارکسیست ها همواره نظریه سوسیالیزم در یک کشور- حتی در پیش رفته ترین کشورها- را به همین دلیل مردود می دانستند. مضحک تر تصور ساختن سوسیالیزم در روسیه واپس مانده بود که حتی امروز پس از شصت سال که از انقلاب می گذرد در بسیاری از شاخه های انکشاف

www.hks-iran.com

تکنولوژیک و اقتصادی از سرمایه داری امپریالیستی عقب تر است. تروتسکی بعدها در کتاب *انقلابی که به آن خیانت شد* به روشنی نشان می دهد که در واقع انقلاب اکتبر سرآغاز مرحله ای انتقالی در حیات جامعه ی روسیه بوده است. جامعه ای که در آن ابزار تولید اجتماعی شده اند، اقتصاد با برنامه در کار است و نیروی کار دیگر کالا نیست. اما این مرحله به هر رو از سوسیالیزم بسیار به دور است. حتی اگر رشد یک نواخت و دائم اتحاد شوروی را از سرمایه داری دور می کرد –که در دفاع واقعی خود این انکشاف نیز ناموزون رخ می دهد- باز این مسأله به معنای حصول سوسیالیزم نمی تواند باشد.

رویه ی بین المللی خصلت ارتجاعی حفظ وضع موجود که در آن موازنه قوا نه به سود کارگران بلکه به سود سرمایه داری امپریالیستی بود، کمینترن را تبدیل به ابزار سیاست بازی های بوروکراسی کرملین نمود. دیگر نقش کمینترن پیشبرد انقلاب جهانی نبود و نیز نقش احزاب کمونیست شرکت مستقیم و فعال در جدال روزمره زحمت کشان محسوب نمی شد. آنان اگر هم در این جدال شرکتی داشتند صرفاً جهت منحرف ساختن آن و یاری رساندن به بورژوازی چنین می کردند. وظیفه ی اصلی این احزاب سازش با بورژوازی جهت گرفتن این تضمین بود که خطری متوجه روسیه نخواهد شد. دیگر کمینترن نه نهاد انقلاب جهانی پرولتاریا، بلکه ابزار دست قشر بوروکراتی شده بود که در انطباق با منافع خود احزاب کمونیست را رهبری می کرد. احزاب کمونیست هم عمدتاً فاقد پایه های عظیم توده ای بودند به صورت منفعل ایفای نقش می کردند و درون آن ها امکان بحث دموکراتیک بر سر مسأله ی حیاتی آن چه در روسیه شوراها می گذشت بسته شده بود. انقلابیون

www.hks-iran.com

معترض نیز چه به عنوان فرد و چه به عنوان گروه از احزاب کمونیست اخراج می شدند. دیری نپائید که این روند اخراج کمونیست های قدیمی و انقلابی به دستگیری، شکنجه و گشتار آن ها نیز انجامید. سلطان زاده کمونیست انقلابی ایران یکی از این رهبران محسوب می شود. استالین و متحدین او پس از کنگره پنجم که در ۱۹۲٤ اندکی پس از مرگ لنین تشکیل شده بود سیاست خطای خود را با اتخاذ روش های بوروکراتیک پیش بردند و کنگره بعدی را به مدت چهار سال به تعویق افکندند. تروتسکی در کتاب حاضر نمایندگان ششمین کنگره جهانی کمینترن را مورد خطاب قرار می دهد. در برابر این نمایندگان یک برنامه ی پیشنهادی که به خطوط کلی استراتژی جنبش کمونیستی جهان می پرداخت قرار داشت. نقد تروتسکی به این برنامه اساس بحث های کتاب حاضر است.

رشد بوروکراسی و ارائه نظریات ضدانقلابی چون سوسیالیزم در یک کشور از جانب بوروکرات ها بدون نیروی مخالف و مبارز پیش رفت. برعکس گردانی از بهترین جنگندگان پرولتری و بلشویک های قدیمی در حزب کمونیست روسیه و هم پای آن درون بسیاری از احزاب کمونیست جهانی به مبارزه علیه سیاست ضدانقلابی استالینیستی دست زدند. مهم ترین گرایش در مبارزه علیه استالینیزم گرایشی بود که تروتسکی نمایندگی آن را داشت. این گرایش که عاقبت در اپوزیسیون چپ حزب کمونیست روسیه و نیز درون بسیاری از احزاب کمونیست متشکل شده بود یگانه نیروی رزمنده علیه بوروکراسی استالینیستی بود که نه بر پایه برخی مسائل فرعی یا شخصی، بلکه براساس دفاع از برنامه و سیاست بلشویزم گرد آمده بود. تروتسکی هرگز به سازش غیراصولی با گرایش های دیگری که علیه استالینیزم مبارزه

www.hks-iran.com

مـی کردنـد تـن نـداد. صـرفاً سـازش و وحـدت او برمبنـای توافـق برنامـه ای و سیاسـی بـود. ایـن خـود از مهـم تـرین دروس ایـن انقلابـی بـزرگ اسـت. استالینیست ها بـا استفاده از روش هـای رذیلانـه تهمت و دروغ، سانسـور و اختناق مانع از مبـارزه ی اصولی اپوزیسیون چپ و تبلیـغ نظریـات تروتسـکی گردیدند و عاقبت راهی جز اخراج تروتسکی از کمیتـه ی مرکزی و سپس از حزب و بعد تبعید او از روسیه و عاقبت کشتن او نیافتند.

مهم ترین مبـارزات تروتسکی و اپوزیسیون چپ در سـال هـای نخست رشد بوروکراسـی مبـارزه بـر علیـه برنامـه و سیاسـت هـای راسـت روانـه اقتصـادی- اجتماعی بوروکرات ها در مورد مسائل داخلی روسیه بود. این مبارزه از زمان حیات لنین توسط خود او به هم کاری تروتسکی آغاز شد و آخرین مقالات لنین یک سره در خدمت پیشبرد این مبارزه نوشته شده انـد. این بخش از مبـارزات انقلابیون را می تـوان در بسیاری از آثـار دهـه ی ۱۹۲۰ تروتسـکی و منجملـه در کتاب حاضر یافت.

در آغـاز ایـن دهـه تنگناهـای اقتصـادی ضـرورت اعطـای امتیـازاتی چنـد بـه روندهای سرمایه داری، تولید خرده کـالایی در تجـارت کوچـک و کشـاورزی را ایجاب کرده بود. "*سیاست نوین اقتصادی*" در سـال ۱۹۲۱ بـه منزلـه ی اقدام موقتی جهت کمک به بهبود اقتصادی اتخـاذ شده بـود. لـیکن این اقدام بیش از آن چه پیش بینی می شد طولانی گردید. قشر کولاک (دهقانان ثروتمند) سر بر آورد که منافعش مستقیماً با منافع دولت کـارگری در تضـاد بـود و دائمـاً بـه ایـن دولت فشار می آورد. این فشارها توسط جنـاح هـای استالین و بوخـارین درون حزب نیز بازتاب می شدند. برنـامه ی جناح های فوق که ساختن سوسیالیزم در روسیه اعلام شده بود، در واقع اعطای امتیـازات درازمـدت بـه کـولاک هـا بـود.

www.hks-iran.com

اپوزیسیون چپ و تروتسکی به این برنامه و سیاست خطرناک اعلام جنگ داده بودند. اپوزیسیون انقلابی در این مورد به صراحت خواستار اقدامات آگاهانه جهت از میان بردن شتاب روزافزون جدائی شهر و روستا، پیروی از اصول برنامه ریزی شده جهت یاری به رشد سریع صنعت بود.

جدال دیگر تروتسکی علیه سیاست های بوروکراسی در قبال اعتصاب عمومی ۱۹۲۶ انگلستان و انقلاب دوم چین است که از این مبارزه در کتاب *بین الملل سوم پس از لنین* بحث بسیار به میان آمده است و تروتسکی دائماً به آن اشاره می کند. در هر دوی این موارد بوروکراسی استالینیستی از طریق سازش با بورژوازی این کشورها مانع از رشد بسیج مستقل طبقه ی کارگر و انکشاف جدال طبقاتی گردید. در انگلستان از طریق تشکیل کمیته ی انگلو-روس نقش اعتصاب شکن را در جریان اعتصاب عمومی ایفاء کرد. این جا، بوروکراسی به جای تکیه به حزب کمونیست بریتانیا، کمیته ای میان مأمورین رسمی اتحادیه های کارگری بریتانیا و شوروی ایجاد نمود. حزب کمونیست حتی در طول اعتصاب عمومی از بیم آن که مبادا به این اتحاد زیانی وارد آید توانائی نداشت که خیانت بوروکرات های اتحادیه های کارگری را یادآور شود. به چشم پیشروترین عناصر مبارز پرولتری، این حزب شریک جرم جنایاتی بود که اتحادیه های کارگری از طریق کمیته انگلو-روس مرتکب می شدند. سیاست حزب کمونیست نه تنها نقش لازم رهبری حرکت انقلابی کارگران را بدان نداد، بلکه این حزب را به شدت در چشم پیشروترین عناصر پرولتری بی اعتبار کرد.

در چین، کمینترن از طریق سیاستی راست روانه حزب کمونیست چین را مجبور نمود که عملاً خود را منحل نماید و کادرهایش را درون حزب

www.hks-iran.com

بورژوائی کومین تانگ حل کند. استدلال استالینیست ها این بود که بورژوازی ملی و لیبرال چین، که حزب چیانک کایچک بیانگر این طبقه بود، در انقلاب چین نقش انقلابی ایفا می کند و از این رو وظیفه ی کمونیست های چین وحدت با این طبقه و این حزب است. به همین دلیل چیانک کای چک به عضویت افتخاری کمینترن برگزیده شد (در هیئت اجرائی کمینترن تروتسکی تنها کسی بود که به این مسأله رأی منفی داد). این سیاست راست روانه در آغاز سال ۱۹۲۷ به کشتار عظیم کمونیست ها چین توسط چیانک کای چک منتهی گردید و انقلابیون چین که بدون اسلحه، سازمان دهی و تشکل مستقل در برابر جلادان خویش قرار داشتند، در حال مرگ شاهد شکست انقلاب دوم چین گردیدند. اما بوروکراسی از این کشتار کمونیست ها توسط "متحدین بورژوا-دموکرات" درس گرفت که انقلاب در کشورهای واپس مانده مرحله ای است و در مرحله ی نخست آن وظیفه انقلابیون وحدت با بورژوازی و نفی جنبش مستقل و نهادهای خود-سازمان دهی توده ها می باشد.

تجربیات فوق این مسائل عمده را پیش روی انقلابیون قرار داد که چرا بوروکراسی چنین سیاست های غیرانقلابی اتخاذ نموده است و چگونه می توان علیه این سیاست ها مبارزه نمود؟ تروتسکی به این مسائل اصلی پاسخ داده است و روشن است که عقاید وی در این مورد هم پای تکامل واقعیت شکل گرفته است. او در سال ۱۹۲۹ که نقد بر برنامه ی پیشنهادی کمینترن را می نوشت براساس واقعیات موجود، بوروکراسی حاکم را گرایش سانتریستی راست می شناخت، گرایشی که با مبارزه ی قاطع و انقلابی می توان آن را اصلاح نمود. به همین دلیل او مبارزه درون نهادهای موجود از جمله درون احزاب کمونیست را وظیفه ی اصلی انقلابیون می دانست. تکامل

www.hks-iran.com

بعدی حوادث او را متوجه این واقعیت کرد که بوروکراسی استالینیستی آگاهانه و از روی نقشه موانع اساسی در پیش پای پیش رفت انقلاب جهانی می سازد و قشر ضدانقلابی بوروکرات در دفاع از منافع و امتیازات خود تا بدان جا پیش می رود که حاضر است انقلاب بسیاری از کشورها را به شکست بکشاند و کلیه ی موانع اصلی در راه پیروزی ارتجاع و فاشیزم را بردارد. بدین سان کمینترن به روشنی ابزار دست قشر ضدانقلابی حاکم بر شوروی است که صرفاً مانعی عمده در راه انکشاف و پیروزی انقلاب هاست. تحلیل تروتسکی پا به پای تکامل واقعیت کامل شد و او به تدریج نظریات خود را در مورد بوروکراسی به مثابه بناپارتیست، سنتریست راست و غیره را کامل کرد و قاطعانه اعلام نمود که اتحاد شوروی دولت کارگری منحط شده ای است و کمینترن ابزار ضدانقلاب بوروکراتیک گشته است.

در واقع تحلیل تروتسکی بیان نظری واقعیتی در حال رشد و تکامل است و به همین دلیل خود این تحلیل نیز دائماً در حال تکمیل و تدقیق بوده است. تروتسکی هم زمان با درجات و مراحل گوناگون انحطاط روش های تغییر یافته مبارزه با آن را نشان داده است. روش مارکسیستی او شناخت روند تکاملی یک انحطاط است و از این رو وظایفی که جهت پیکار علیه این انحطاط پیش روی انقلابیون قرار می دهد دقیقاً وظایفی روشن و در انطباق با درجات پیشروی این انحطاط می باشد. کسانی که از خواندن نظر تروتسکی در مقدمه به چاپ فرانسه کتاب حاضر تعجب می کنند که در آن به صراحت از تشکیل بین الملل چهارم سر باز زده شده و وظیفه ی انقلابیون را فعالیت و مبارزه درون کمینترن به منظور اصلاح آن دانسته و این حکم را در تناقض با عمل تروتسکی در پایه گذاری بین الملل چهارم در سال ۱۹۳۸ می دانند چشم به

www.hks-iran.com

روی آن چه در فاصله این سال ها رخ داده بسته اند در این فاصله چنان حوادث عظیم تاریخی رخ داده اند و نقش بوروکراسی استالینیستی در آن ها چنان تنزل این جریان سیاسی را روشن کرده که چشم پوشی از آن ها غیرممکن است. فعالیت و نقش بوروکراسی استالینیستی در مهم ترین حوادث این سال ها نشان داد که این جریان خود بدل به مهم ترین مانع انکشاف مبارزه پرولتاریا گشته است.

مهم ترین واقعه در سلسله حوادث تاریخی که منجر شد تا تروتسکی در تجزیه و تحلیل خود از بوروکراسی و در نتایج سیاسی حاصل از آن تجدیدنظر نماید نقش به غایت ارتجاعی بین الملل کمونیست که پس از سیاست راست روانه اش در چین و نیز در انطباق با سیاست داخلی بوروکراسی در اتحاد شوروی (که پس از سال ها تقویت کولاک ها برمبنای شعار بوخارین "بگذارید کولاک ها ثروتمند شوند" به ناگاه تغییر مسیر داده بود و دست به کشتار کولاک ها زده بود) این بار زیگزاگ زده و به چپ متمایل گشته بود. برای دوره ای طولانی که فاصله سال های ۱۹۲۹ تا۱۹۳٤ را در بر می گیرد. کمینترن سیاستی معروف به مرحله ی چپ را اتخاذ نمود که به دوره ی سوم نیز معروف است. مطابق نظر رسمی کمینترن پس از جنگ امپریالیستی مرحله ای آغاز شد که مشخصه ی آن رونق انقلاب ها بود، سپس دوره ی دوم که زمان افول جنبش و شکست های پی در پی بود، فرا رسید و اکنون مرحله ی سوم که باز دوره ی انقلاب هاست فرا رسیده و در این مرحله سرمایه داری امپریالیستی خود را با تمام سلاح هایش علیه کارگران مجهز می کند. مهم ترین این سلاح ها سوسیال- دموکراسی است که درون جنبش کارگران ریشه دارد اما در واقع چیزی بیش از جناح چپ فاشیزم نیست و باید

www.hks-iran.com

آن را "سوسیالفاشیزم" نامخواند. از این رو خطر اصلی نه فاشیزم بلکه سوسیال- دموکراسی است. هیتلر را می توان حتی پس از پیروزیش کنار زد، اما سوسیال- دموکراسی به دلیل پایه های چند میلیونی خود نقشی به مراتب خطرناک تر ایفاء می کند. روشن است که استوار به این نظر رسمی هرگونه اتحاد عملی و بستن هر جبهه واحد مبارزاتی میان کمونیست ها با "سوسیال فاشیست ها" غیرممکن می شود. تروتسکی که در نامه ی طولانی "اکنون چه؟" (که چون پیوست کتاب حاضر چاپ شده) نخستین جلوه های این سیاست چپ روانه را مورد انتقاد قرار داده بود، این جا دست به مبارزه ای عظیم زد. او کوشید تا برای کارگران و اعضاء احزاب کمونیست روشن کند که خطر فاشیزم چیست: "دستگاهی است که در صورت پیروزیش از روی جمجمه ها و دنده های شما خواهد گذشت" تروتسکی دائماً ضرورت ایجاد جبهه‌ی واحد مبارزاتی بر سر مبارزه بافاشیزم میان نیروهای کارگری را تبلیغ می کرد. در شرایطی که احزاب کمونیست و سوسیالیست در مجموع بیش از دیگر نیروهای سیاسی رأی انتخاباتی می آوردند، شعار جبهه ی واحد مبارزاتی موجب تحرک شدید مبارزه ی طبقات می شد. اگر دو حزب عمده ی کارگری بر پایه ی حفظ اصول و برنامه های خود عمل مشترک و نبرد متحد عملی را علیه فاشیزم آغاز می کردند مهم ترین سدها را در مقابل فاشیزم ایجاد می نمودند. تروتسکی که بر پایه ی تحلیل دقیق خود از فاشیزم به مثابه ی جنبش توده ای خرده بورژوازی در خدمت سرمایه ی بزرگ و علیه کارگران بحث می کرد، نشان می داد که فرقه گرائی دو حزب عمده ی کارگری آلمان و سر باز زدن آن ها از جبهه ی واحد مبارزاتی متضمن چه خطر عمده ای برای پرولتاریای جهان است. تروتسکی به درستی یادآور می شد که وظیفه ی

www.hks-iran.com

کمونیست هاست که مصرانه و پیگیرانه با طرح شعار جبهه ی واحد کارگری از طریق فشار پایه های حزب سوسیالیست یعنی میلیون ها کارگر، رهبری این نیروی اصلاح طلب را ناگزیر به ورود در میدان مبارزه ی عملی علیه فاشیزم کنند.

اما سرپیچی کمینترن از پذیرش این پیشنهادها و پافشاری آن بر مواضع چپ روانه و جنون آمیز باعث شد که هیتلر به سادگی بدون برخورد با مانع به قدرت برسد و حمله اش را به حقوق دموکراتیک و نهادهای کارگری چنان وسعت دهد که در نهایت کلیه ی سازمان های طبقاتی پرولتاریا را نابود سازد. تروتسکی از تجربه ی آلمان دریافت که بوروکراسی استالینیستی دیگر اصلاح پذیر نیست. او به صراحت اعلام کرد که دگرگونی انقلابی در اتحاد شوروی لازم است و وظیفه ی انقلابیون سراسر جهان خروج از احزاب کمونیستی است که یک سره در خدمت ضدانقلاب بوروکراتیک کرملین، در کار سازش با ارتجاع هستند. تروتسکی شعار پیش به سوی ایجاد بین الملل چهارم را ارائه کرد و این بین الملل پس از چند سال مبارزه در سال ۱۹۳۸ بر پایه ی برنامه ی انتقالی تشکیل گردید و تا به امروز پرچ مدار مبارزه ی ضدسرمایه داری و ضدبوروکراتیک بوده است.

از نظر تروتسکی شکست مبارزه ی پرولتاریای جهانی در دهه ی ۱۹۳۰ سرنوشت محتوم و از پیش تعیین شده ای نبود. رهبری بین الملل کمونیست، اگر رهبری انقلابی پرولتری می بود، می توانست مانع از شکست های سهمگینی گردد که پرولتاریای آلمان در مبارزه با نازیزم تحمل کرد. فهم دقیق و علمی تروتسکی از دوران ما یعنی عصر احتضار سرمایه داری و تشدید تناقضات طبقاتی، دوران جنگ ها و انقلاب های پرولتری هرگز بدین معنا

www.hks-iran.com

نیست که روند انقلاب همواره به شتاب در حال انکشاف است و در هر شرایطی امکان تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا موجود است. دقیقاً خصلت این دوران، که در آن نیروهای تولیدی بدل به نیروهای تخریبی شده اند و سرمایه داری درگیر بحران‌دائمی است، امکان پیروزی انقلاب های پرولتری است و این در صورت اتخاذ سیاست حساب شده ی انقلابی از جانب حزبی متشکل از پیشروترین عناصر پرولتری و دارای برنامه روشن ممکن می باشد. کتابی که در دست خواننده است یکی از آن آثار تروتسکی است که به تفصیل و دقت ویژگی های عمده ی دوران معاصر را به بحث گذاشته و موشکافانه عناصر اصلی و تعیین کننده سیاست انقلابی را طرح کرده است. تروتسکی نشان می دهد که استراتژی کمونیستی پیش از هر چیز در برنامه ی بین المللی آن متجلی می شود. برنامه ای که "به هیچ رو جمع جبری برنامه های بخش های ملی یا ترکیبی از وجوه مشخصه مشترک آن ها" نیست. از این رو تروتسکی خطاهائی که کمینترن مرتکب می شد را نه چون اشتباهات تک افتاده که به هم نامرتبط باشند، بلکه چنان محصول برخورد سیاسی اساساً نادرستی می دانست که کمینترن در هر محتوای ملی ویژه ای آن را به کار می گرفت. فصل "استراتژی و تاکتیک در عصر امپریالیِ ژ‌ُم‌از کتاب حاضر بیان استادانه ای از اعتبار حزب انقلابی در فراشد تاریخ است. تروتسکی هرگز این نظر عام و مکانیکی که همواره شرایط انقلابی موجود است را نپذیرفت اما تأکید کرد که وجه مشخصه دوران ما ژرف تر شدن عدم ثبات سرمایه داری است و این به تغییرات سریع در اوضاع سیاسی منتهی خواهد شد. در پیکار انقلابی فرازها و فرودها بسیارند.

www.hks-iran.com

وظیفه ی رهبری انقلابی آمادگی برای لحظه ای است که شرایط لازم فراهم آمده باشند و در هر زمان یاری به رشد سریع تر گرایش های درونی تکامل واقعیت است که این شرایط لازم را فراهم می آورند. بوروکراسی استالینیستی (در رابطه با ادای سهم به این ایده ناب مارکسیستی که عامل ذهنی نقش اساسی ایفاء می کند) به واقعیات کم بها می داد، تأخیر فاز داشت، به توانائی احزاب کمونیست و نقش آن ها اطمینان نداشت، آن جا که نتایج سیاست راست روانه اش آشکار می شد با شتابی جنون آسا به اقدامات چپ روانه دست می زد و چون این یک به نتیجه نمی رسید باز به راست می زد. این تاریخچه و فعالیت کمینترن استالینی است که تروتسکی با قدرت آن را بیان می کند و منطق درونی زوالش را شرح می دهد.

در اواخر سال ۱۹۳٤ بین الملل کمونیست زیگزاگ تازه ای زد و سیاست هایش از ماوراء چپ به ماوراء راست منتقل گردید. در این تاریخ، بوروکراسی حاکم بر شوروی که خطر حمله فاشیزم را درک کرده بود، وحشت زده از تسلیح سریع آلمان نازی، در صدد پیدا کرده متحدین جدیدی برآمد. در انطباق با اصل سازش طبقاتی متحدین تازه کمینترن بورژواهای دموکرات بودند. نتیجه ی سیاست نزدیکی شوروی به کشورهای "دموکرات" غرب در عرصه ی جدال کارگران به صورت نزدیکی با سوسیال- دموکراسی ظاهر شد. اما نه به طریق لنینی جبهه ی واحد یعنی وحدت عملی احزاب کارگری بلکه این جا نیز یکی از دست آوردهای بین الملل انقلابی مورد تخریب قرار گرفت. استالین و گنورک دیمیتریوف تحت عنوان جبهه ی خلق یا جبهه ی مردم، نوع جدیدی از وحدت را یافتند یعنی وحدت در برنامه را. تاکتیک انقلابی جبهه ی واحد که لنین و تروتسکی در کنگره ی سوم بین الملل

www.hks-iran.com

کمونیست آن را طرح کرده بودند بر پایه ی این واقعیت استوار بود که وحدت طبقه ی کارگر میان احزاب این طبقه به صورت حفظ اصول عقیدتی و برنامه ای هر یک از آن ها صرفاً با ورود به عمل مشخص مبارزاتی ممکن است. بدین معنی که احزاب کارگری بر سر مسائل مشخص مبارزه ی طبقاتی با هم جبهه ی مشترک می سازند. اما اصل استالین- دیمیتریوف بر این اساس بود که احزاب کارگری با احزاب "دموکرات" بورژوا برمبنای برنامه جدیدی که جملگی بر سر آن توافق داشته باشند جبهه ی خلق ایجاد نمایند. پرواضح است برنامه ای که احزاب بورژوا و حتی احزاب سوسیال دموکرات آن را بپذیرند و بدان عمل نمایند، نمی تواند برنامه انقلابی کارگران باشد، بلکه برنامه ای اصلاح گرایانه خواهد بود که به هر حال حق تشکل مستقل کارگران را از ایشان سلب خواهد کرد و طریق مبارزه با سرمایه داری را مسدود خواهد نمود. سیاست جبهه ی خلق در کنگره ی هفتم کمینترن در ۱۹۳۵ پذیرفته شد و این آخرین کنگره ی بین الملل فوق بود.

در واقع سیاست جبهه ی خلق، مبارزه کارگران فرانسه را در اعتصاب های سال ۱۹۳۵ به بی راهه کشاند و دولت جبهه ی خلقی به فاصله ای کوتاه پس از تشکیل کابینه، سقوط کرد. در اسپانیا نیز نتیجه ی فاجعه بار جبهه ی خلق، مخالفت "دولت تمام خلقی" با اشغال زمین ها توسط دهقانان تهی دست بود که آنان را به سوی ارتش فرانکو سوق داد. دولت جبهه ی خلق اسپانیا مسئول کشتار بسیاری از انقلابیون بود و حزب کمونیست اسپانیا که در این دولت شرکت داشت بسیاری از تروتسکیست ها، آنارشیست ها و رهبران انقلابی چون آندره نین را به قتل رساند این حزب با استقلال مراکش مخالفت کرد، خودمختاری کاتالونیا و باسک را نپذیرفت و به حمایت از زمین داران

www.hks-iran.com

بزرگ برخاست، میلیشیای کارگران را خلع سلاح نمود، شوراهای کارگری و کمیته های اعتصاب را منحل کرد. شرح مبارزه مارکسیست های انقلابی علیه این سیاست های کمینترن در کتاب ها و اسناد متعددی که تروتسکی نوشته آمده است. در این حالت نیز تروتسکی باز به تکمیل عقاید و شناخت نظری خویش پرداخت و عاقبت بیان کامل این مبارزه در برنامه ی انتقالی که در نخستین کنگره ی جهانی بین الملل چهارم پذیرفته شد، ارائه گردید.

تروتسکی پس از انعقاد قرارداد صلح مونیخ در ۱۹۳۸، به درستی یادآور شد که دیگر کمینترن موجودی مزاحم و دست و پاگیر در راه تفاهم استالین با "دموکرات های غربی" است. در ماه اوت سال بعد که استالین پیمان عدم تجاوز با هیتلر را امضاء نمود و لهستان را با فاشیست ها تقسیم کرد، بین الملل کمونیست رسماً ساکت ماند، اما بحران در سلول های اعضاء بخش های آن به شدت گسترش یافت. علی رغم این که این بین الملل دیگر کوچک ترین نقش فعالی در روند مبارزه انقلابی کارگران نداشت و از نظر سیاسی چیزی بیش از لاشه متعفن محسوب نمی شد، در اثنای جنگ جهانی دوم در ماه مه ۱۹٤۳ استالین فرمان انحلال آن را صادر کرد و این هدیه ای به "دوستان دمکراتش" روزولت و چرچیل بود و بس.

****

تاریخ این کتاب خود تصویر گویائی از تحولات جنبش کمونیستی دهه ی ۱۹۲۰ است. تروتسکی در سال ۱۹۲۸ نقد بر برنامه ی پیشنهادی بین الملل کمونیست را نوشته بود، او قبلاً از حزب کمونیست اخراج شده بود و همانند بسیاری از مبارزین اپوزیسیون به تبعید فرستاده شده بود و در آلماآتا در آسیای دور به سر می برد. سال بعد به ترکیه تبعید شد و انتشار آثارش در

www.hks-iran.com

روسیه شوروی ممنوع گردید و از این رو هرگز کتاب حاضر در شوروی به چاپ نرسید. صرفاً کتاب به صورت نسخ دست نویس تکثیر شده و دست به دست می گشت.

تروتسکی در سپتامبر ۱۹۲۷ هم راه هیجده تن دیگر از کمیته ی اجرائی بین الملل کمونیست اخراج شد. او در کنگره ی پنجم به اتفاق آراء به این مقام برگزیده شده بود و صرفاً کنگره ی ششم می توانست او را اخراج نماید، اما پیش از تشکیل این کنگره اخراجش اعلام شد و کنگره نیز به این اخراج صحه گذارد. واضحاً مهم ترین دلیل این اقدام جلوگیری از بحث های تروتسکی بود. خاصه که در کنگره ششم طرح برنامه ی کمینترن ارائه می شد. کمینترن در کنگره های پیشین خود برنامه رسمی اتخاذ نکرده بود و این مسأله نه به علت عدم آگاهی رهبران آن از اهمیت برنامه، بلکه کاملاً برعکس منتج از اعتبار زیادی بود که این رهبران جهت تدوین برنامه قائل بودند و نمی خواستند برنامه ای شتاب زده و غیردقیق ارائه نمایند. در بسیاری از اسناد کمینترن می توان مواد لازم جهت تدوین برنامه ی انقلابی یافت. برنامه ای که استالین و بوخارین ارائه کرده بودند در واقع نخستین برنامه ای بود که به رأی گذاشته می شد. به همین دلیل بحث و نقد این برنامه ضروری بود و اهمیت زیادی داشت. استالینیست ها با اتخاذ روش های بوروکراتیک مانع از پخش عقاید تروتسکی گشتند. در جریان کنگره برنامه ی پیشنهادی بدون تغییر اساسی به تصویب رسید.

نقد تروتسکی در کنگره مورد بحث قرار نگرفت. متن آن حتی بین نمایندگان پخش نشد صرفاً اعضای کمیسیون تدوین برنامه و عده ی معدود دیگری ترجمه ی بسیار ضعیف و ناقص این متن را به دست آوردند. کل بخش

www.hks-iran.com

"استراتژی و تاکتیک در عصر امپریالیزم" و نیز نامه ی طولانی "اکنون چه؟" از ترجمه حذف شده بود. ردگیری دقیقی از نسخه توزیع شده به عمل می آمد. باز گرداندن کلیه ی نسخه ها الزامی بود. نکات نقد تروتسکی در کمیسیون برنامه بدون هیچ مباحثه ای محکوم گردید. اما سال بعد نقد تروتسکی به اضافه ی نامه "اکنون چه؟" به صورت سلسله مقالات در نشریه ی میلیتانت که تروتسکیست های آمریکا منتشر می کردند چاپ شد و به صورت جزوه ی مستقلی منتشر گردید.

در پایان سال ۱۹۲۹ یک برگردان آلمانی کتاب در برلین چاپ شد. این کتاب کل بخش حذف شده "استراتژی و تاکتیک در عصر امپریالیسم" را هم راه داشت. که بلافاصله به زبان انگلیسی نیز ترجمه گردید و به چاپ رسید. در سال ۱۹۳۰ متن فرانسه این آثار با تأیید کامل تروتسکی منتشر شد و او بر این برگردان پیش گفتاری نیز افزود. مقالاتی نیز هم راه این کتاب چاپ شدند. چون مقاله "مسأله ی چین پس از کنگره ی ششم" که در ٤ اکتبر ۱۹۲۸ نوشته شده بود و سپس در کتاب انقلاب چین جای گرفت و نیز مقاله ی "چه کسانی امروز کمینترن را اداره می کنند؟" که به صورت سلسله مقالات در فاصله ی ماه های اوت تا نوامبر ۱۹۲۹ در میلیتانت چاپ شده بود.

در سال ۱۹۳٦ نخستین برگردان کامل انگلیسی کتاب به ویراستاری ماکس شاختمن منتشر گردید. برگردان فوق توسط جان. جی. رایت از نسخه ی اصلی روسی انجام گرفته و همین متن پایه ی کار برگردان این اثر به زبان فارسی بوده است.

چه چیز برگردان و انتشار این نقد تروتسکی از سیاست کمینترن در دهه ی ۱۹۲۰ را امروز پس از گذر پنجاه سال توجیه می کند؟ مطالعه ی این اثر

www.hks-iran.com

جهت نسل انقلابی نوینی که ناگزیر است برای تدوین استراتژی تجارب گذشته جنبش کارگری را بیآموزد ضروری است. اثر گرانسنگ تروتسکی صرفاً سندی تاریخی نیست، بلکه راهنمای عمل جهت فعالیت روزمره انقلابیون، تدوین استراتژی انقلاب، دروس عمده برسازمان دهی حزب پرولتری و دست آوردی عمده به نظریه مارکسیستی است. این اثر در بر گیرنده ی آخرین کلام و نظریات نهائی تروتسکی نیست، لیکن در اصولی ترین مسائل با تکامل بعدی آراء او سازگاری دارد. مهم تر از همه مطالعه این اثر، تصویری دقیق از دوران سرمایه داری پسین و تناقضات اصلی آن در اختیار خواننده قرار می دهد و تضاد کار و سرمایه را در گستره ی جهانی طرح می کند. عاقبت (و نه کم اهمیت تر از سایر مسائل) خواننده را با روش مارکسیستی مطالعه پدیده ها، نقد تاریخی عقاید و رخدادها آشنا می سازد.

هوشنگ سپهر

www.hks-iran.com